

کلاهبرداری

با وعده اقامت در غرب

مردی که متهم است با وعده اقامت در کشورهای غربی دوستان و بستگانش را فریب داده و به دختری جوان هم تعرض کرده است روز گذشته پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش جوان، تحقیقات پلیس تهران برای بازداشت مرد فریبکار از سه‌ماه قبل به جریان افتاد. یکی از شاکیان که دختری جوان بود به مأموران پلیس گفت که مردی به نام سسینا او را فریب داده و به وی تعرض کرده‌است. دختر جوان همچنین گفت که سسینا از اعضای خانواده‌اش هم کلاهبرداری کرده است.

او توضیح داد: سسینا مدتی قبل با برادرم آشنا شده‌بود و به واسطه دوستی بین آنها بود که به خانه ما رفت و آمد پیدا کرد. سسینا می‌گفت که صراف است و وضع مالی خوبی دارد. او گفت که اقامت یکی از کشورهای غربی را دارد و می‌تواند با روابطی که دارد برای فرانسه یا کانادا اقامت بگیرد. سسینا به برادرم پیشنهاد داد که پولش را در کشور کانادا سرمایه‌گذاری کند و سود خوبی ببرد. برادرم هم به سسینا اعتماد کرد و ۱۵۰ میلیون تومان پولش را به حساب سسینا ریخت. همان زمان بود که من را هم فریب داد و به من تعرض کرد. من ماجرا را به خانواده‌ام گفتم. برادرم وقتی به سسینا زنگ زد او دیگر به تماس‌ها جواب نداد و تصمیم به شکایت گرفتم.

بعد از مطرح شدن شکایت بود که مشخص شد که سال ۹۲ خانواده همسر سابقش هم از سسینا شکایت کرده‌اند. آنها در طرح شکایت خود گفته بودند که سسینا با وعده گرفتن اقامت در کانادا آنها را فریب داده و از آنها کلاهبرداری کرده‌است. هر چند خانواده همسر سابق سسینا از او شکایت کرده‌بودند، اما سسینا محل زندگی‌اش را تغییر داده و در این مدت تحت تعقیب پلیس قرار داشت.

بررسی‌های پلیس در این باره ادامه داشت تا اینکه شکایت‌های مشابه دیگری هم علیه سسینا مطرح شد. مأموران پلیس با اطلاعاتی که شاکیان در اختیارشان گذاشتند سرانجام توانستند متهم را بازداشت کنند. پرونده سسینا بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم پای میز محاکمه ایستاد. ابتدای جلسه یکی از اعضای خانواده همسر سابق سسینا در جایگاه قرار گرفت و از متهم شکایت کرد. او گفت: سسینا از ما کلاهبرداری کرده و ابرویی خانوادگی ما را برده‌است. او سال ۹۱ به خواستگاری خواهرم آمد. خودش را صراف معرفی کرد و گفت که در کارش مهارت زیادی دارد. او مدعی شد که می‌تواند به راحتی اقامت کشورهای کانادا یا فرانسه را بگیرد. به هر حال ما فریب حرف‌هایش را خوردیم و خواهرم با او ازدواج کرد. سسینا با وعده گرفتن اقامت ۷۶۰میلیون تومان از ما و ۲۵۰میلیون تومان هم از یکی دیگر از بستگاننام پول گرفت. بعد از گرفتن پول‌ها بود که فهمیدیم‌او کلاهبردار است. با اتفاقی که افتاده‌بود، خواهرم از او طلاق گرفت و سسینا هم از آن به بعد ناپدید شد تا اینکه فهمیدم به این شیوه افراد دیگری را هم فریب داده و سرانجام دستگیر شده است. یکی دیگر از شاکیان گفت: با سسینا مدتی قبل آشنا شدم. او گفت که صراف است و وضع مالی خیلی خوبی هم دارد. سسینا گفت با وعده فراهم کردن شرایط اقامت در کشور فرانسه من را فریب داده و ۱۰۰میلیون تومان کلاهبرداری کرده است.

در ادامه سسینا که با سپردن وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت و اتهام کلاهبرداری و تعرض به دختر جوان را انکار کرد. سسینا قاضی مهلت یک‌ماهه گرفت تا رضایت شاکیان را جلب کند. خانواده‌او هم که در جلسه دادگاه حاضر بودند به دادگاه قول دادند که برای جلب رضایت شاکیان به پسرشان کمک کنند. بعد از آن بود که ادامه جلسه به یک‌ماه دیگر موکول شد.

جهیزیه عروس سمنانی در آتش سوخت

جهیزیه به عروس سمنانی در حادثه آتش‌سوزی یک واحد آپارتمان در آتش سوخت.

به گزارش مهر، سعید اسمعیل پور رئیس آتش‌نشانی سمنان گفت: این حادثه ساعت ۱۰:۳۳ صبح شنبه در بلوار حکیم‌اللهی این شهر اتفاق افتاد و آتش‌نشنان دو ایستگاه در محل حاضر شدند. وی افزود: نیروهای عملیاتی به محض رسیدن مشاهده کردند آتش از اتاق‌ها به قسمت‌های دیگر ساختمان سرایت کرده و درحال پیشروی است که آتش‌نشنان به چند گروه تقسیم شده و آتش را مهار کردند. وی ادامه داد: بخشی از آتش‌سوزی مربوط به جهیزیه تهیه‌شده برای دختر خانواده بود که در آتش تبدیل به خاکستر شد که علت آن دست بررسی است.

کلاهبرداری میلیاردی با فروش ذخایر معدن

اعضای یک باند فریبکار که با فروش ذخایر معدن شن و ماسه در شهرستان ساوجبلاغ پول میلیاردری به جیب زده‌بودند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان سردار عباسعلی محمدیان، فرمانده انتظامی استان البرز گفت: در پی ارجاع یک فقره پرونده کلاهبرداری به پلیس آگاهی ساوجبلاغ از یک معدن تولید شن و ماسه درباره فروش تولیدات آن به صورت مخفیانه و کسب درآمدهای میلیاردی رسیدگی به موضوع در دستورکار پلیس آگاهی شهرستان قرار گرفت. وی افزود: کارآگاهان در بررسی‌های اولیه به سرخ‌هایی در خصوص همکاری تعدادی از کارکنان این معدن و فروش روزانه مقداری شن و ماسه، بدون درج در سوابق اداری و کلاهبرداری به مبلغ ۵میلیارد تومان رسیدند. در مرحله بعد، تحقیقات در خصوص چگونگی فروش محصولات، بررسی پرونده‌های باایگانی و ثبت و صدور کالا آغاز شد و در این رابطه سه‌نفر از کارکنانی که متوجه شدند، موضوع کلاهبرداری بر ملا شده و تحت تعقیب پلیس هستند در روستاهای اطراف ساوجبلاغ مخفی شده و قصد داشتند در یک فرصت مناسب به خارج از کشور متواری شوند که دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شدند. متهمان پس از دستگیری ابتدا منکر هر گونه کلاهبرداری از معدن شدند، اما در مواجهه با مستندات موجود اقرار کردند که به صورت روزانه اقدام به فروش بار از شرکت به نفع خود کرده و از این طریق درآمدهای نامشروع به دست می‌آورند.

سردار محمدیان یادآور شد: متهمان در این مدت، با مبالغ حاصل از فروش شن و ماسه اقدام به خرید خودرو و خانه‌های گرانقیمت در شهرستان ساوجبلاغ کرده‌اند.

فرمانده انتظامی استان البرز با بیان اینکه متهمان پس از تکمیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند، خاطر‌نشان کرد: به منظور جلوگیری از جرائم مربوط به کلاهبرداری، صاحبان شرکت‌ها و مراکز تجاری، همواره بر مرادات مالی شرکت خود نظارت داشته باشند.



پسر محکوم به مرگ که در نوجوانی مو تکب قتل شده‌بود، پس از تحمل ۱۶سال زندان آزاد می‌شود. متهم به دلیل پیگیری نکردن اولیای دم در زندان بلا تکلیف بود.

به گزارش جوان، این پرونده سال ۸۳ در یکی از محله‌های شهرستان اسلامشهر به جریان افتاد. تحقیقات پلیس نشان داد در جریان دعوای چند پسر نوجوان یکی از آنها که خودشان رفتند. بعد از جدایی آنها به هر دوی ما آوره شدیم و وضع زندگی خیلی سختی داشتیم. متهم در شرح حادثه هم گفت: من نام دارم که چند روز بعد از حادثه خودش را به پلیس تسلیم کرد و به قتل اعتراف کرد. او بعد از کامل شدن تحقیقات در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری یکاستان تهران و پا رأی قضات دادگاه به قصاص محکوم شد.

رای دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور به شعبه اجرای احکام دادرای امورجنایی تهران فرستاده شد و نام بهزاد در لیست محکومان به مرگ قرار گرفت. بهزاد بارها برای اجرای حکم به پای حوض‌دار منتقل شد، اما به دلیل عدم حضور اولیای دم حکم درباره او اجرا نشد و متهم به سلولش منتقل شد. در حالی که ۱۶سال از وقوع حادثه گذشته بود بهزاد با ارسال

پسر محکوم به مرگ که در نوجوانی مو تکب قتل شده‌بود، پس از تحمل ۱۶سال زندان آزاد می‌شود.

قتل در نوجوانی آزادی در میانسالی

لایحه‌ای به دادستان مطابق ماده۴۲۹ قانون مجازات اسلامی در خواست تعیین تکلیف کرد، بنابراین پرونده او روز گذشته در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان بررسی شد. بهزاد در حالی که حالا پسری ۳۴ساله زندان هشتم کسی به ملاقاتم نیامده است. خواهرم که خردسال بود حالا بزرگ شده و برای خودش خانه‌ای اجاره کرده‌است. او سر کار می رود و زندگی مستقلی دارد. در این سال‌ها سختی زیادی کشیده‌ام. بهزاد گفت: مادر مقتول به من گفته بود که من را قصاص نمی‌کند، اما کاری می‌کند که همیشه در زندان بمانم. او به حرفی که زده عمل کرده‌است و بلا تکلیف هستم. اگر از زندان آزاد شوم به خانه خواهرم می‌روم و کار می‌کنم تا مبلغی که اولیای دم درخواست کرده‌اند، برایشان تأمین کنم.

در ادامه خواهر قاتل در جایگاه قرار گرفت و گفت: من و برادرم زندگی سختی داشتیم و از دادگاه درخواست کمک داریم. من مستأجرم و هیچ ملکی ندارم تا اسند آن را در گرو بانک می‌کند. ما از محل دور شدیم که چند خیابان دورتر ناگهان پیمان به طرف ما حمله کرد و شروع به کتک زدن سعید کرد. من دیدم که سعید دارد کتک می‌خورد برای همین برای هواخواهی او وارد دعوا شدم. چاقو

همان لحظه دوستم که سعید نام دارد به طرفم آمد و ترک موتورم نشست و خواست به سرعت دور شوم. من ماجرای عوارا نمی‌دانستم و نمی‌دانستم که سعید هم دارد دعوا می‌کند. ما از محل دور شدیم که چند خیابان دورتر ناگهان پیمان به طرف ما حمله کرد و شروع به کتک

همان لحظه دوستم که سعید نام دارد به طرفم آمد و ترک موتورم نشست

پس از این مأموران پلیس تحقیقات خود را ادامه تابنکه چند روز قبل با خبر شدند شاکی به همکاری چند نفر از کارمندانش یکی از ادمربایان را جلوی در شرکتش دستگیر کرده است. بدین ترتیب مأموران به محل حادثه رفتند و متهم را بازداشت کردند و به اداره پلیس انتقال دادند.

مدیر شرکت گفت: پس از حادثه چند روزی در بیمارستان بستری بودم تا حالم بهتر شد و مرخص شدم.

ساعتی قبل وقتی به شرکت‌م رفتم جلوی در اتاق نگهبانی با مرد جوانی روبه‌رو شدم که چهره‌اش خیلی آشنا بود. به همین خاطر با او احوال‌پرسی کردم که خودش را معرفی کند که ناگهان فهمیدم او همان راننده پژویی است که چند روز قبل با همدستی دو مرد ادمربا

مدیر شرکت گفت: پس از حادثه چند روزی در بیمارستان بستری بودم تا حالم بهتر شد و مرخص شدم.

مر ا بودند. بنابراین بلافاصله از نگهبان و دیگر کارمندام درخواست کمک کردم و او را قبل از اینکه فرار کند دستگیر کردم.

متهم پس از انتقال به اداره پلیس ابتدا با تناقض‌گویی قصد فریب مأموران را داشت اما در نهایت وقتی با مدارک و دلایل روبه‌رو شد به ادمربایی با همدستی دو نفر از دوستانش به نام هوشنگ و جمشید اعتراف کرد.

متهم در ادعایی گفت: مدتی قبل یکی از دوستانم به نام هوشنگ مدعی شد که صاحب شرکتی، دختر مورد علاقه‌اش را از شرکت اخراج کرده و به همین خاطر قصد دارد از انتقام بگیرد. هوشنگ گفت دختر مورد علاقه‌اش شقایق

چند سالی به عنوان منشی در شرکت شاکی کار می‌کرده‌است تا اینکه با او اختلاف پیدا می‌کند و صاحب شرکت هم بدون اینکه حق و حقوق او را پرداخت کند از محل کار اخراجش می‌کند. هوشنگ گفت که شقایق از این موضوع خیلی ناراحت است و به همین سبب از من خواست نقشه ادمربایی او را طراحی و اجرا کنم و من هم قصد دارم او را برابیم و اوالش را سرعت کنم. پس از این هوشنگ از من و دوست دیگرش جمشید خواست با او همکاری کنیم اما من قبول نکردم تا اینکه اصرار کرد و در نهایت قبول کردم من فقط به عنوان راننده آنها را همراهی کنم. وی ادامه داد: وقتی شاکی را ربودیم هوشنگ و جمشید او را به

شدت کتک زدند به طوریکه فکر کردیم او فوت کرده است و جسدش را در خیابانی رها کردیم. پس از این همه نگران بودیم که قرار شد من به شرکت شاکی بروم و آنجا پرس‌وجو کنم که آیا مدیر شرکت زنده است یا کشته شده‌است. وقتی به شرکت رفتم از بدشاشی با شاکی روبه‌رو شدم و مرا شناخت و دستم رو شد. آنها مرا دستگیر کردند و به شدت کتک زدند و بعد تحویل مأموران پلیس دادند. در حالی که تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه و مشخص شدن صد ادعای متهم ادامه دارد مأموران پلیس در تلاشند تا دو متهمان فراری دیگر را شناسایی و دستگیر کنند.

چند سالی به عنوان منشی در شرکت شاکی کار می‌کرده‌است تا اینکه با او اختلاف پیدا می‌کند و صاحب شرکت هم بدون اینکه حق و حقوق او را پرداخت کند از محل کار اخراجش می‌کند. هوشنگ گفت که شقایق از این موضوع خیلی ناراحت است و به همین سبب از من خواست نقشه ادمربایی او را طراحی و اجرا کنم و من هم قصد دارم او را برابیم و اوالش را سرعت کنم. پس از این هوشنگ از من و دوست دیگرش جمشید خواست با او همکاری کنیم اما من قبول نکردم تا اینکه اصرار کرد و در نهایت قبول کردم من فقط به عنوان راننده آنها را همراهی کنم. وی ادامه داد: وقتی شاکی را ربودیم هوشنگ و جمشید او را به

مدیر شرکت گفت: پس از حادثه چند روزی در بیمارستان بستری بودم تا حالم بهتر شد و مرخص شدم.

مدتی قبل وقتی به شرکت‌م رفتم جلوی در اتاق نگهبانی با مرد جوانی روبه‌رو شدم که چهره‌اش خیلی آشنا بود. به همین خاطر با او احوال‌پرسی کردم که خودش را معرفی کند که ناگهان فهمیدم او همان راننده پژویی است که چند روز قبل با همدستی دو مرد ادمربا

حصول داد

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵

بازداشت دوباره شیرین

به اتهام جیب‌بری

زن جیب‌بر که بارها به اتهام جیب‌بری در اتوبوس‌های تندرو و بازداشت شده بود بار دیگر دستگیر شد.

به گزارش جوان، تحقیقات کارآگاهان اداره‌مفهمه پلیس آگاهی تهران برای بازداشت متهم از مدتی قبل و همزمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره جیب‌بری در اتوبوس‌های تندرو خط خاوران به آزادی به جریان افتاد. بررسی شکایت‌های مطرح شده حکایت از این داشت که بیشتر سرقه‌تا در ایستگاه مولوی انجام شده‌است. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی موفق شدند سارق را که زنی میانسال بود شناسایی و در حالی که قصد سرقه‌ت از زنی مسافر را داشت بازداشت کنند. بررسی سوابق متهم ۴۷ساله که شیرین نام داشت نشان داد که او از جیب‌بران سابقه‌دار است که قبلاً به اتهام سرقه‌ت بازداشت شده و به زندان افتاده‌بود. شیرین در بازجویی‌ها گفت: من سرپرستی ندارم و از مدت‌ها قبل به مصرف مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم و برای تأمین پول مواد مرکب سرقه می‌شدم. قبلاً هم به اتهام جیب‌بری به زندان افتاده بودم و بعد از رهایی از زندان هم سرقه‌ت‌هایم را شروع کردم تا اینکه بازداشت شدم.

سرهنگ کارآگاه‌احمد نجفی، معاون مبارزه با سرقه‌ت‌های خاص پلیس آگاهی قاتب گفت: متهم در سرقه‌ت از ۱۶شاکی که او را شناسایی کرده‌اند ۳۰میلیون تومان سرقه‌ت کرده است. وی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در جریان است.

فروش موتور سیکلت‌های

سرقه‌تی تهران در فریدونکنار

دو سارق پرایدسوار که پس از سرقه‌ت موتور سیکلت از محله‌های تهران آن را در شهرستان فریدونکنار به فروش می‌رساندند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، مدتی قبل شکایت‌های مشابهی درباره سرقه‌ت موتورسیکلت حوالی کلاتری ۱۰۶ نامجو به مأموران پلیس گزارش شد. کارآگاهان پایگاهسوم پلیس آگاهی تهران که مأمور رسیدگی به پرونده شده‌بودند در تحقیقات خود دوربین‌های مداربسته را بررسی کردند و متوجه شدند که سارقان دو مرد جوان هستند که سوار بر خودروی پراید در محله‌ها پرس‌زده و اقدام به سرقه‌ت موتورسیکلت می‌کنند. مأموران پلیس با بررسی شماره پلاک خودروی پراید، مالک آن را که مردی به نام وحید بود شناسایی کردند. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد که وحید با همدستی یکی از دوستانش که مهرداد نام دارد، باند سرقه‌ت موتورسیکلت را تشکیل داده‌است که مخفیگاه متهمان شناسایی و هر دو نفر ۱۴دی‌ماه بازداشت شدند.

دو متهم در بازجویی‌ها به سرقه‌ت‌های سریالی موتورسیکلت اعتراف کرده و گفتند که موتورها را به شهرستان فریدونکنار منتقل می‌کردند و به مردی به نام جمال می‌فروشتند. با اطلاعاتی که متهمان در اختیار پلیس گذاشتند، مأموران پلیس راهی شهرستان فریدونکنار شده و همزمان با دستگیری جمال چهار دستگاه از موتورهای سرقه‌ت شده را کشف کردند.

سرهنگ کارآگاه کامیار چهری، رئیس پایگاه‌سوم پلیس آگاهی پایتخت گفت: ارزش اموال سرقه‌تی ۱۰۰میلیون تومان برآورد می‌شود. وی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان ادامه دارد.

سفره خانه سنتی در آتش سوخت

یکی از سفره‌خانه‌های سنتی در محله کوهسار شمال تهران در آتش سوخت.

به گزارش جوان، این حادثه ساعت ۰۲:۴۵ بامداد روز گذشته در سیمون بولیوار، نبش بزرگراه باکری اتفاق افتاد. مسعود صادقی، افسر اداره‌منطقه یک آتش‌نشانی گفت: محل حادثه یک باب سفره خانه سنتی به وسعت تقریبی هزار متر مربع بود که در جریان این آتش‌سوزی، نیمی از این سفره خانه طعمه شعله‌های آتش شده و اجناس موجود در آن نیز در حال سوختن بود. وی با اعلام اینکه شعله‌های آتش در حال سرایت به سایر نقاط سفره‌خانه بود، درباره چگونگی عملیات آتش‌نشنان گفت: آتش‌نشنان به محض حضور در محل حادثه با استفاده از سه‌رشته لوله آبدهی از سه ضلع مشغول خاموش کردن شعله‌های آتش شدند.

صادقی تصریح کرد: آتش‌نشنان در ادامه عملیات خود با سرعت عمل مناسب توانستند از سرایت آتش به سایر نقاط سفره‌خانه جلوگیری کنند و شعله‌های آتش را که در حال سرایت به سفره‌خانه دیگر بود، مهار و کاملاً خاموش کردند. افسر اداره منطقه یک عملیات آتش‌نشانی با اشاره به اینکه هیچ کس در این حادثه صدمه‌ای ندید، تأکید کرد: علت بروز این حادثه هم‌اکنون از سوی کارشناسان آتش‌نشانی در حال بررسی است.

قاتل نامرئی

جان زن خانه‌دار را گرفت

زن خانه دار در یکی از روستاهای شهرستان قزوین در حادثه گازگرفتگی فوت شد.

به گزارش جوان سرهنگ بیژن خدایی، فرمانده انتظامی شهرستان قزوین گفت: این حادثه روز گذشته در روستای کورانه اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس نشان داد که زن خانه دار به علت گاز گرفتگی فوت شده و سه عضو دیگر خانواده هم دچار مسمومیت شده‌اند که به بیمارستان منتقل شدند. سرهنگ خدایی علت حادثه را عدم رعایت نکات ایمنی در نصب وسایل گاز سوز اعلام کرد.

شروع سابقه‌دار یافت آباد

دستگیر شد

رئیس کلاتری ۱۵۱ یافت آباد از دستگیری شروع سابقه دار منطقه یافت آباد خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ حمیدرضا موسوی گفت: اواخر هفته گذشته خبری درباره عریده‌کشی و ایجاد ترس و وحشت اهالی منطقه یافت‌آباد، به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد که تیمی از مأموران کلاتری برای دستگیری این شروع خطرناک وارد عمل شدند.

وی افزود: مأموران با تحقیقات پلیسی و اطلاعاتی خیلی زود موفق به شناسایی مخفیگاه این شروع سابقه دار شدند و پس از هماهنگی با مقام قضایی، در یک عملیات غافلگیرانه مأموران وارد مخفیگاه این شروع شدند. رئیس کلاتری ۱۵۱ یافت‌آباد ادامه داد: در بازرسی از خانه این شروع که سوابقی از قبیل قدرت‌نمایی، تجاوز و ورود به عنف و ضرب و جرح عمدی وجود دارد، پنج قبضه سلاح سرد از جمله مشمشیر و قمه، چهار دستگاه گوشی تلفن همراه سرقه‌تی و یک انگشتر کبود به جای نگین از نوک یک سرنگ خدایی کشف شده‌بود. کشف شد. این مقام انتظامی گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفت و تحقیقات تکمیلی برای شناسایی دیگر جرائم احتمالی این شروع ادامه داد.